

به نام اهورامزدا



اردشیر بابکان یا پاپکان بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی است. اردشیر بابکان در ۲۳ ژوئن سال ۲۲۶ میلادی در نیایشگاه ناهید تاجگذاری کرد و شاه ایران شد و ملی‌گرایی ایرانی را بر محور آموزش‌های زرتشت احیاء کرد. با پیروی از روش اردشیر، دیلمیان و صفویان بعداً ملی‌گرایی ایرانی را بر محور ایراندوستی و مذهب شیعه زنده کردند. اردشیر که قبلاً حکمران پارس (عمدتاً فارس و کرمان) و نگهبان آتشکده آن بود پیش از تاجگذاری، به حکومت اشکانیان که بر اثر فساد داخلی رو به ضعف گذارده بودند و در برابر رومیان کوتاه می‌آمدند برانداخته بود.

اردشیر که بعداً رومیان را هم شکست سخت داد و از شرق واپس راند در مراسم تاجگذاری، همانند داریوش بزرگ گفت که به خواست اهورامزدا شاه ایرانیان می‌شود که مردمی نجیب و بزرگووار هستند و دروغ نمی‌گویند. مردم کرمان که اردشیر قبلاً در نظر داشت آنجا را پایتخت ایران کند به منظور نشان دادن خرسندی خود از پیروزی او بر اردوان و به شاهی رسیدنش، شهری را که در آن استان ساخته بود به «اردشیر» نامگذاری کردند. این شهر که نام آن از زمان چیرگی عرب‌ها بردسیر تلفظ می‌شود پیشتر روستای کوچکی بود که توسط اردشیر عمران و توسعه داده شده و به صورت شهر درآمدی بود.

تمام دانستنی‌های اردشیر بابکان در ادامه مطلب

روی کار آمدن اردشیر ساسانی

ساسان، موبدی از دودمان نجبا بود بر آتشکده‌ی آناهیتا در شهر استخر ریاست داشت. پسرش بابک در شهر خیر در کنار دریاچه‌ی بختگان حکومت می‌کرد. بابک پس از ساسان جانشین پدر شد و خود را شاه خواند (۲۰۸ م) در این تاریخ شهر استخر به دست گوجیهر شاه بازرنگی بود. بازرنگیان در نسیایه که در جهت دیوارهای سفیدش در دوره‌ی اسلامی بیضا نام گرفت، سلطنت داشتند.

چون گوجیهر پادشاه بازرنگی در آن نواحی امیر بزرگ بود، بابک برای پسرش اردشیر از وی منصب ارگبندی دارابگرد را بگرفت.

در سال (۲۱۲ م) اردشیر بر گوجیهر قیام کرد و شهر نسا (بیضا) را به تصرف در آورد و او را کتّه و به جای وی نشست.

جون بابک درگذشت شاهپور جانشین او شد. میان دو برادر یعنی شاهپور و اردشیر نزاع درگرفت. اردشیر به برادر

مهتر خود حسد می برد، اما شاهپور بر اثر اتفاق بمرد و اردشیر در سال ۲۱۲ میلاد به آسانی جای او نشست سپس اردشیر بر کرمان دست یافت و تا سواحل خلیج فارس پیش رفت. پس از آن شادشاهپور اصفهان را بکشت و روانه ی اهواز شد و سرانجام در جنگ سختی که بین او و اردوان پنجم در هرمزگان درگرفت ، اردوان را شکست داد و با مرگ او سلسله ی اشکانی بر افتاد (۲۸ آوریل سال ۲۲۴م) پس از این نبرد پیروزمندانه به تیسفون آمد و بر تخت نشست.

نظام اداری

در رأس ادارات ساسانی بزرگفرمذار یا صدر اعظم قرار گرفته بود و عملاً زمام قدرت و اداره کشور در دست او بود . وی قراردادهای و پیمانها را امضا می کرد . گاهی در جنگها فرماندهی کل را به عهده می گرفت . همه دیوانها و یا وزارتخانه ها با دبیران آنها تحت نظر وی بودند . شاید کلمه بزرگمهر تصحیف عنوان بزرگفرمذار باشد که مورخان عرب عنوان بزرگفرمذار عهد انوشیروان را به بوذرجمهر تبدیل کرده اند .

در زمان انوشیروان،کشور ایران را که تا آن زمان مرزبانان اداره می کردند به چهار قسمت تقسیم شد و هر قسمتی را پادگس نامیده شد و به آنها نام جهت های چهارگانه داده شد : پاختر (شمال) خراسان (مشرق) نیمروز (جنوب) خوروران (مغرب) داد و برای هر کدام از این پادگسها فرمانروایی تعیین کرد که او را پادگسبان می نامیدند

امور لشکری نیز تحت نظر سپهبدان اداره می شد و به تعداد پادگسبانان چهارگانه ، چهار سپاهبد نیز در ایران وجود داشت . ایالات و پادگسها را به بخشهای کوچکتری تقسیم کرده و هر قسمت را ایستان می گفتند و حاکم آن را ایستاندار می خواندند و سپس هر ایستان را به چند شهر یا ولایت تقسیم می نمودند و مرکز آن را شهرستان می گفتند .

قریه را دیه و رئیس آن را دیهسالار می خواندند . مزارع تابع دیه را روستاک (روستا) می گفتند .

فرهنگ و تمدن

دین رسمی

اردشیر بابکان چون پادشاهی از خاندان موبدان بود پس از نشستن بر تخت سلطنت دین زرتشتی را آیین رسمی ایران قرار داد و اعتقاد به ادیان دیگر را ممنوع داشت . از دانشمندان زرتشتی که به پادشاهان ساسانی در تقویت و گسترش آن دین خدمت کرده اند ، نخست باید تنسر موبد زمان اردشیر بابکان و دیگر آذربد مهراسپندان، موبد زمان شاهپور اول و کرتیر موبد زمان هرمزد و بهرام اول را نام برد . در زمان ساسانیان به همت این موبدان بیست و یک نسک اوستای قدیم را به زبان پهلوی ترجمه کردند و آن ترجمه را زند نامیدند که به معنی تفسیر است . چون فهم کتاب زند به سبب وجود لغات آرامی در آن مشکل می نمود سپس شرحی به زبان پارسی ساده بر زند نوشتند و آن را پازند خواندند . اساس سیاست داخلی ساسانیان هماهنگی دین و دولت بود . چنانکه فردوسی می گوید :

چنان دین و دولت به یکدیگرند توگویی که از بن ز یک مادرند

چو دین را بود پادشه پاسبان تو این هر دو را جز برادر مخوان

دینهای منشعب از دین زرتشت

اصولاً همه ادیان ایرانی پیش از اسلام مبتنی بر دو اصل خیر و شر یا هرمزد و اهریمن است. منتهی فرقی که با هم دارند در کیفیت و مدت آمیختگی شر با خیر است. در دین زرتشتی سرانجام خیر بر شر و هرمزد بر اهریمن غلبه خواهد کرد ولی در ادیان دوگانه پرستی دیگر چنین نیست. هر دینی برای رهایی از شر، فلسفه ای دارد. بعضی از متفکران دوره ساسانی که راه آسانتری برای رستگاری بشر می جستند، چون دین مزدیسنی را جوابگوی پرسشهای خود ندیدند به بدعت در آن دین پرداخته و ادیان نوینی را بنیاد نهادند که مبنای همه آنها بر دوگانه پرستی است، مهمترین این ادیان عبارتند از:

ادیان دیگر

بجز دینهایی که ذکر آنها در پیش گذشت، ادیان دیگری نیز مانند دین یهود و مسیحی. بودایی در بعضی از نواحی ایران رواج داشت. دین یهود بیشتر در بابل و همدان و اصفهان، دین مسیحی در ارمنستان و خوزستان و بین النهرین و دین بودایی در ماوراءالنهر و خراسان و بلخ رایج بود.

زبان و خط

زبان ایرانیان در دوره ساسانیان زبان پارسیک یا پهلوی ساسانی بود. این زبان لهجه ای از زبان پهلوی اشکانی به شمار می رفت که در جنوب ایران رواج داشت. خط ایران در این دوره مأخوذ از خط آرامی بود و به دو نوع خط پهلوی، کتیبه ای یا گشته دبیره و خط پهلوی کتابی یا عام دبیره تقسیم می شد. در این قرن تعدادی زیادی کلمات آرامی که شمار آنها به هزار کلمه می رسید وارد زبان پهلوی ساسانی شده بود. برخلاف زبان فارسی که لغات دخیله عربی را به خط عربی نوشته و به همان صورت خودش می خوانند، در زبان پهلوی چنین نبود، دبیران ساسانی لغات آرامی را که در نوشته های خود به کار می بردند، به آرامی تلفظ نمی کردند بلکه به تلفظ پهلوی قرانت می نمودند. مثلاً: "ملکا" می نوشتند و "شاه" می خواندند و یا "گملا" که همان جمل عربی باشد می نوشتند و "اشتر" می خواندند. یا "کدبا" می نوشتند و "دروج" یعنی دروغ می خواندند. این شیوه نگارش را در اصطلاح هزوارش می نامند. خط پهلوی کتابی تا سه قرن پس از اسلام در ایران ادامه داشت و در آن دوره کتابهایی به زبان پهلوی از طرف موبدان زرتشتی نوشته شده است.

هنر

از انواع هنر دوره ساسانی می توان به معماری ، مجسمه سازی و نقاشی اشاره کرد که همه ساله مقدار زیادی از آنها توسط باستان شناسان کشف می شود .

معماری

در دوره ساسانی هنر معماری نسبت به مجسمه سازی و نقاشی در درجه اول قرار داشت . آثار اولیه معماری ساسانی شباهت بسیاری به معماری دوره پارتی دارد . از بناهای ساسانی در قرن سوم میلادی ، کاخ اردشیر در فیروزآباد است .

یکی از آثار دوره ساسانی طاق کسری است که بقایای دربار معروف خسرو اول و دوم در تیسفون می باشد . این طاق اکنون در کنار دجله در نزدیکی بغداد در جایی به نام سلمان پاک قرار دارد . در فاصله یکصد کیلومتری تیسفون قصر دستگرد قرار داشته خسرو دوم پرویز بوده است . دیگر کاخ شیرین است که خسرو دوم آن را برای زن محبوب خود شیرین بنا کرده است و هنوز آثار آن در شهری به نام قصر شیرین باقی است .

یکی از جالبترین آثار تاریخی ، غاری است که در صخره ای در طاق بستان کنده اند و شکارگاه خسرو دوم را نشان می دهد . این آثار در مدخل شهر کرمانشاهان هنوز باقی است . یکی از آنها شاپور اول را نشان می دهد که والرین در جلوی او به زانو درآمده و سیریادیس امپراتور جدید روم در حال احترام به پیش شاپور ایستاده است . در غار شاپور نیز مجسمه بزرگی از شاپور اول پیدا شده که اکنون در آن غار برپا است .

شعر و موسیقی

در ایران پیش از اسلام شعر به معنی امروزی و وزنهای عروضی عرب وجود نداشته بلکه چامه و چکامه یا اشعار ایرانی ، ترانه هایی بوده که مانند اشعار اروپایی هجایی بوده و جاهای آنها کوتاه و بلند می شده است . در زمان ساسانیان بویژه در عصر خسرو پرویز ، موسیقی پیشرفت بسیاری کرد و موسیقیدانان بزرگی مانند : باربد ، نکبسا

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی